

روزنامه مستقل

دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سه شنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴

شماره ۱۸۰۰

«رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز» خبر داد:

۳۳ هزار بازدید بهداشت
حرفه‌ای و ایمنی کار
در سال گذشته



بیمه‌ها چطور به سانسورگران رنج بدل می‌شوند؟

روان درمانی، کالایی برای نخبگان!

مسئله «روان درمانی» در ایران امروز از یک حق طبیعی و در دسترس عموم جامعه به یک کالای لوکس بدل شده است. کالایی که تنها قشر کوچکی از جامعه توانایی پرداخت هزینه‌های آن را دارند: قشری که یا از طبقات ثروتمند است یا وابستگی‌های نهادی و سازمانی خاصی دارد... ادامه در صفحه ۴

وقتی مسئولان به میدان
صلاحات فرهنگی و پهلوانی می‌آیند:

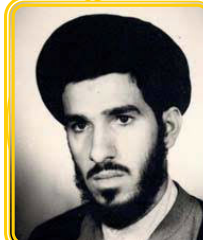
جانا سخن از
زبان ما می‌گویی

بجامانده از یک چهارم جام حذفی:

فرش قرمز برای
جام هشتم آبی‌ها



یاد و خاطره شهدا، به ویژه «شهید مهدی ابوصالح حسینی نجفی» که ۱۴ شهریور ۶۵ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرمای باد



شهرداری کرج کمک به حادثه بندر رجایی اعلام آمادگی کرد

«مهرداد کیانی» شهردار کرج- پیام هم‌دردی و تسلیت به مناسبت حادثه تلخ بندر شهید رجایی در شهر بندرعباس را به شرح زیر صادر کرد: حادثه ناگوار انفجار بندر شهید رجایی قلب تمامی هم‌میهنانمان را به درد آورد. این ضایعه را به خانواده‌هایی که عزیزان خود را از دست داده و همچنین عموم مردم شریف ایران بویژه هم‌میهنان دریادل بندرعباس تسلیت عرض می‌نمایم. از خداوند منان برای بازماندگان صبر و برای آسیب‌دیدگان این حادثه شفای عاجل آرزو نمودم. اینجانب ضمن تقدیر از تمامی تلاش‌های صورت گرفته توسط دستگاه‌ها و ارگان‌های امداد رسان، آتش‌نشانی، کادر درمان و تمامی نیروهای کشوری و لشگری، به نیابت از شهروندان کرجی و مجموعه مدیریت شهری کرج، برای هر گونه کمک و مساعدت برای رفع آسیب‌های این حادثه، اعلام آمادگی کرده و اعلام می‌داریم: مجموعه مدیریت شهری کرج آمادگی دارد در اسرع وقت برای کمک به بندرعباس خدمات لازم را ارائه دهد.

رویداد

دنیای هوادار

سه شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۰

حرف اول

وقتی مسئولان به میدان اصلاحات فرهنگی و پهلوانی می‌آیند؛

جاناسخن از زبان ما می‌گویی



عهده دارند و باید این باور در میان آن‌ها نهادینه شود.

ابلاغ دستورالعمل‌های فرهنگی به‌زودی

دکتر دنیامالی در پایان از ابلاغ قریب‌الوقوع دستورالعمل‌های فرهنگی به ستاد ساماندهی وضعیت فرهنگی و هواداری باشگاه‌های لیگ برتری خبر داد و خاطرنشان کرد: به‌زودی این دستورالعمل‌ها به همه استانداران، مدیران کل ورزش استان‌ها و مدیران عامل باشگاه‌ها ابلاغ خواهد شد.

وی همچنین افزود: کارهای خوبی در معاونت فرهنگی وزارت ورزش و جوانان در دست انجام است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز آمادگی دارد قانون‌های خاص این حوزه را به تصویب برساند. امیدوارم در فصل آینده رقابت‌های لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور، شاهد کمترین تعداد کارت قرمز و محرومیت باشیم و پرونده‌های ارجاعی به کمیته استیناف و کمیته انضباطی به حداقل برسد.

حسن‌خانی: متناسب با فضای استادیوم‌ها

کار فرهنگی می‌کنیم

حجت‌الاسلام محمدحسین حسن‌خانی، معاون فرهنگی و توسعه ورزش همگانی، نیز در ابتدای جلسه ستاد عالی ساماندهی وضعیت فرهنگی و هواداری اظهار داشت: از زمانی که در وزارت ورزش و جوانان حضور پیدا کردیم، یکی از مأموریت‌های اصلی ما رسیدگی به فضای استادیوم‌ها بود؛ فضاهایی که با برخی ناهنجاری‌ها همراه هستند.

وی افزود: با دستور آقای دکتر دنیامالی و با همکاری فدراسیون فوتبال و سایر ارکان مرتبط، این ستاد را برپا کردیم تا با همفکری یکدیگر، اقدامات متناسب با شرایط استادیوم‌های کشور را اجرا کنیم.

حسن‌خانی ادامه داد: اجرایی کردن بلیت الکترونیک و ساماندهی لیدرها و هواداران، از جمله اولویت‌های کاری ماست که در این ستاد به آن پرداخته می‌شود.

بازی، به جای ایجاد آرامش، خود به عاملی بازدارنده تبدیل شده است.

وی افزود: اگر استانداردهای VAR در کشورمان را با اروپا مقایسه کنیم، خواهیم دید در چه جایگاهی قرار داریم؛ این‌ها مباحث فنی‌ای هستند که در اختیار خود ماست. متأسفانه متغیرهای تصمیم‌گیری در حوزه برگزاری مسابقات بسیار زیاد شده‌اند. هرچقدر این متغیرها متعددت‌تر باشد، برگزاری رویدادها با اشکالات جدی‌تری روبه‌رو خواهد شد.

او ادامه داد: چرا باید برای پلیس این‌همه زحمت ایجاد کنیم؟ باید فضای استادیوم‌ها، زمین‌های چمن و روند برگزاری مسابقات را آن‌قدر استاندارد کنیم که ورزش و به‌ویژه فوتبال، فضایی امیدبخش و با نشاط ایجاد کند. کشمکش‌های میان باشگاه‌ها نباید وارد زمین مسابقه شود. متأسفانه بازیکنی وارد زمین می‌شود و رفتاری زشت از خود نشان می‌دهد، سپس باشگاه با صدور بیانیه‌ای رسمی، از این هنجارشکنی حمایت می‌کند. ما قطعاً کمیته اخلاق ورزش را برای برخورد با این مسائل فعال خواهیم کرد.

فوتبال ویتترین ورزش کشور است

وزیر ورزش و جوانان همچنین بر ضرورت برگزاری هرچه بیشتر جلسات هم‌اندیشی برای ساماندهی وضعیت فرهنگی کانون‌های هواداری تأکید کرد و گفت: در گذشته از این نوع جلسات غفلت کردیم و تشریک مسامی مناسبی با یکدیگر نداشتیم. زمانی وزارت ورزش و جوانان، رسیدگی به امور هواداری را از بدنه خود جدا کرده بود، اما اکنون می‌گوییم هر اتفاقی که در ورزش رخ دهد، این وزارتخانه مسئول آن است. او افزود: فوتبال برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد؛ فوتبال ویتترین ورزش کشور است و عملکرد آن روی سایر رشته‌ها، از جمله مسابقات باشگاهی والیبال و بسکتبال، نیز تأثیرگذار است. وقتی می‌توانیم ۶۰ تا ۷۰ هزار تماشاگر را با یک مسابقه فوتبال دور هم جمع کنیم، چرا منزلت اجتماعی خود را ارتقا ندهیم؟

در کنار باشگاه‌ها هستیم

وزیر ورزش و جوانان در ادامه افزود: ما واقعیت‌های استانی را می‌شناسیم؛ بنابراین در کنار باشگاه‌ها هستیم و می‌خواهیم با تدوین دستورالعمل‌های فرهنگی، کانون‌های هواداری را مدیریت کنیم. مدیران باشگاه‌ها باید مرز احساسات را از فضای سکوها جدا کنند و از اظهارنظرهای شتاب‌زده در رسانه‌ها خودداری نمایند. مدیران عامل باشگاه‌ها وظایف حاکمیتی بر

اصغر قلندری

بارها گفته‌ایم و نوشته‌ایم که ورزش ما از مشکلی به نام ضعف اخلاقی و فرهنگی رنج می‌برد؛ و بد اخلاقی! مشکل تنها به فوتبال محدود نمی‌شود.

جلسه ستاد عالی ساماندهی وضعیت فرهنگی و هواداری باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال کشور، صبح روز گذشته به ریاست دکتر احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان، و با حضور احمد راستینه، رئیس کمیته ورزش مجلس شورای اسلامی، امیری اصفهانی، معاون دادستان، و مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال، در محل وزارت ورزش و جوانان برگزار شد. این جلسه با هدف ساماندهی ورزشگاه‌ها و تدوین راهکارهای مناسب برای پیشگیری از بروز حواشی در مسابقات لیگ برتر فوتبال تشکیل شد.

مدیران ۱۶ باشگاه لیگ برتری، استانداران، رؤسای هیأت‌های فوتبال و مدیران ادارات ورزش و جوانان استان‌ها، به همراه معاونان وزیر ورزش و جوانان، اعضای حاضر در این نشست بودند. در این جلسه، چالش‌ها و دغدغه‌های مرتبط با هواداری مطرح و پیشنهاداتی برای جلوگیری از بروز حواشی در استادیوم‌ها ارائه شد.

دکتر احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان، در جمع‌بندی خود از جلسه ستاد عالی ساماندهی وضعیت فرهنگی و هواداری باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال، اظهار کرد: این جلسه با هدف ارزیابی عملکرد گذشته کانون‌های هواداری و تدوین راهکارهای لازم برای پیشگیری از رفتارهای هنجارشکنانه در ورزشگاه‌ها برگزار شده است. وی افزود: می‌دانیم باشگاه‌ها با چه مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ بنابراین تمام تلاش ما این است که برای فصل جدید لیگ برتر فوتبال، چارچوب‌هایی ایجاد کنیم تا فضای استادیوم‌ها به دور از جنجال و حاشیه باشد. رفتارهای هنجارشکنانه‌ای که اخیراً در مسابقات فوتبال رخ داده، اصلاً در شأن مردم ما نیست. حاکمیت نیز چارچوب‌هایی دارد و ما تا آنجا که توانستیم این اصول را رعایت کرده‌ایم؛ اما بدون تردید از این پس باید با تدبیر بیشتری عمل کنیم.

متغیرهای تصمیم‌گیری در ورزش ما زیاد است

وزیر ورزش و جوانان در ادامه به برخی نقاط ضعف موجود در سیستم برگزاری مسابقات اشاره کرد و گفت: یکی از عواملی که ما را در ورزشگاه‌ها با چالش مواجه کرده، رفتارهای تحریک‌آمیزی است که خود مسئولان برگزاری از خود نشان می‌دهند. رفتار برخی از ناظران

سرمقاله

گام هوشمند کرج در صیانت از حریم شهری

یاسمن یزدانی

نظارت بر حریم شهری، همواره یکی از چالش‌های بزرگ مدیریت شهری در کلانشهرها بوده است. گستردگی مساحت، پراکندگی جمعیت و وسعت ساخت‌وسازها، روند کنترل را با مشکلات جدی مواجه کرده و زمینه تخلفات ساختمانی را فراهم آورده است. در چنین شرایطی، خبر اجرای نظارت هوشمند بر ۱۶ هزار و ۵۰۰ هکتار حریم شهر کرج را باید به عنوان گامی مؤثر در مسیر مدرن‌سازی و بهینه‌سازی فرآیند مدیریت شهری ارزیابی کرد.

آنچه «عباس سعیدی‌کیا» معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرج- مطرح کرده، صرفاً یک پروژه فناورانه نیست؛ بلکه یک تغییر نگرش است. استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای شناسایی تخلفات، نشان می‌دهد که مدیریت شهری کرج درصدد است تا نظارت‌های انسانی را از مدار خطا، فساد و ناکارآمدی خارج کرده و بر پایه داده‌های دقیق و بی‌طرف، اقدامات اجرایی خود را سامان دهد.

اجرای پایلوت این طرح در مناطق ۲، ۳، ۴ و ۹ و گسترش آن به همه مناطق کرج، حاکی از آن است که شهرداری با درایت به سراغ توسعه گام‌به‌گام پروژه رفته و بر اساس تحلیل داده‌های واقعی تصمیم‌گیری می‌کند. این امر، نشان از درک درست مسئولان از لزوم تحول تدریجی، مبتنی بر آزمون و اصلاح دارد؛ چیزی که در بسیاری از پروژه‌های مشابه در سطح کشور کمتر مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، اینکه کرج نخستین کلانشهری است که این مدل نظارت هوشمند را اجرایی کرده، نه تنها یک دستاورد فنی بلکه یک سرمایه اجتماعی بالقوه برای این شهر است. سرمایه‌ای که اگر با اطلاع‌رسانی صحیح و جلب مشارکت شهروندان همراه شود، می‌تواند به اعتماد عمومی به مدیریت شهری و مشارکت فعال‌تر مردم در حفظ نظم و سیمای شهری منجر شود. با این حال، باید توجه داشت که فناوری به تنهایی ضامن موفقیت نیست. تفسیر دقیق داده‌ها، عملکرد شفاف دستگاه اجرایی، پاسخگویی سریع به تخلفات، و پیوند مؤثر بین اطلاعات و تصمیمات مدیریتی، تعیین‌کننده نهایی سرنوشت این پروژه خواهند بود. به بیان دیگر، اگر این طرح در فرآیند اجرا به بوروکراسی یا فساد آلوده شود، نه تنها اعتبار پروژه بلکه سرمایه اجتماعی شهرداری نیز آسیب خواهد دید. کرج امروز در آستانه یک امتحان بزرگ ایستاده است: امتحانی برای اثبات اینکه فناوری می‌تواند نه در شعار، که در عمل، شهری بهتر بسازد.

در روزهای آینده فشار بر روسیه افزایش خواهد یافت

تهدیدها و تحریم‌ها علیه مسکو متعاقباً شده است. این اظهارات مکرون در حالی است که آمریکا تلاش‌هایی را برای برقراری صلح میان روسیه و اوکراین آغاز و پیشنهاد آتش‌بس ۳۰ روزه را مطرح کرده است. پیشتر کارولین لویت سخنگوی کاخ سفید نیز گفته بود که ترامپ خواستار «آتش‌بس دائمی» میان روسیه و اوکراین است و نه یک توافق موقت.

تلاش‌ها برای اجرای آتش‌بس در اوکراین حیاتی خواهد بود. مکرون اظهار کرد که هفته گذشته دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا را «ترغیب کردم تا موضع سخت‌تری علیه روسیه اتخاذ کند» و در مراسم تشییع پاپ نیز «بار دیگر به او گفتم که لازم است در مقابل روس‌ها سختگیرتر باشیم». وی افزود که «آمریکایی‌ها را در مورد احتمال تشدید

امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه گفت که حامیان اوکراین در روزهای آینده «فشار بر روسیه را افزایش خواهند داد».

مکرون در مصاحبه‌ای با مجله فرانسوی «پاری‌مج» که دوشنبه شب منتشر شد، اظهار کرد: ما در هشت تا ۱۰ روز آینده فشار بر روسیه را افزایش خواهیم داد. رئیس‌جمهور فرانسه تصریح کرد: ۱۵ روز آینده در



روز شوراها و ضرورت بازیابی

«صدای مردم» در مدیریت شهری

ایمان روزبهانی

۹ اردیبهشت، در تقویم رسمی ایران به نام «روز شوراها» ثبت شده است؛ روزی که در ذات خود یادآور آرمانی بنیادین است: سپردن بخشی از سرنوشت مدیریت شهری و روستایی به دست خود مردم. اما این آرمان در کشاکش بوروکراسی، منافع سیاسی و فراموشی تدریجی اعتماد عمومی، چقدر رنگ واقعیت به خود گرفته است؟ پاسخ، در بسیاری از شهرها، پاسخ کاملی نیست. فرهنگ عامه، از دیرباز نهاد شورا را همچون حلقه‌ای از خرد جمعی می‌دانست. از انجمن‌های روستایی گرفته تا نشست‌های بزرگان محله، فرهنگ ایرانی همواره بر مشورت، گفت‌وگو و تصمیم‌گیری جمعی ارج می‌نهاده است. اما آنچه امروز تحت عنوان «شورای اسلامی شهر و روستا» در قالب‌های رسمی می‌بینیم، نیازمند بازآفرینی همین اعتماد تاریخی است. شوراها باید به جایگاه اصیل خود در فرهنگ عامه بازگردند؛ جایی که مردم آن‌ها رانه تنها به عنوان نمایندگان رسمی، که به عنوان امینان واقعی آرزوها و دغدغه‌های خود بشناسند. از این منظر، تقویت جایگاه شوراها نه یک خواسته اداری، که یک ضرورت اجتماعی است. در دوره‌ای که شکاف میان مردم و نهادهای مدیریت شهری در حال تعمیق است، شوراها می‌توانند به پلی بدل شوند که هم دلزدگی عمومی را ترمیم کند و هم مشارکت واقعی را احیا نماید. اما این امر بدون تغییر رویکرد شوراها به سمت «مردم‌محوری اصیل» ممکن نخواهد بود. شوراها باید دوباره هنر شنیدن صدای مردم را بیاموزند؛ صدایی که گاه زیر آوار بروکراسی و سیاسی کاری به حاشیه رانده شده است.

شورای اسلامی شهر کرج، به عنوان یکی از نمونه‌های مهم در استان البرز، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه ظرفیت‌های بالفعل شوراها می‌توانند به بالفعل‌سازی امیدهای شهری منجر شوند؛ اگر که اراده‌ای جدی برای ارتباط بی‌واسطه با مردم، شفافیت در تصمیم‌گیری، و پاسخگویی صریح وجود داشته باشد. کرج، با جمعیتی متنوع، مسائل زیرساختی پیچیده و تنوع فرهنگی قابل توجه، بیش از هر زمان دیگری به شوراها نیل دارد که نه در پس درهای بسته، که در میدان دید عموم تصمیم بگیرند؛ شوراها می‌توانند که نه تنها در مقاطع انتخاباتی که در تمام طول دوره فعالیت، درگیر پرسش و پاسخ مستقیم با شهروندان باشند. نمونه‌هایی از حضور فعال و نقدپذیر شورای شهر کرج در سال‌های اخیر، همچون برگزاری نشست‌های عمومی و ارائه گزارش‌های شفاف درباره پروژه‌های شهری، گام‌های مثبتی بوده‌اند. اما هنوز تا مطلوبیت و همخوانی کامل با نیازهای روزمره شهروندان، فاصله قابل توجهی باقی است.

در روز شوراها، لازم است بار دیگر به خود یادآوری کنیم که شوراها باید از «ویترین‌های تشریفاتی» به «کارگاه‌های مشارکتی» تبدیل شوند. جایگاه شورا در فرهنگ عامه، تنها با احساس واقعی مردم به تاثیرگذاری در تصمیمات شهری و روستایی تقویت می‌شود. و این حس، تنها زمانی زنده خواهد شد که مردم ببینند صدای‌شان بی‌واسطه، بی‌پرده و بی‌فیلتر شنیده و اجرایی می‌شود.

برنامه‌ریزی برای جلسات مردمی منظم، انتشار شفاف گزارش‌های عملکرد، ایجاد سامانه‌های بازخورد مستقیم و تسهیل نظارت عمومی بر پروژه‌ها، تنها بخشی از اقداماتی هستند که می‌توانند این فاصله را کمتر کنند. شورای شهر کرج، همچون بسیاری از شوراهای دیگر، با این انتخاب روبه‌رو است: یا به نهادهایی پویا، پاسخگو و برخاسته از دل مردم بدل شود، یا در گرداب بی‌تفاوتی عمومی، به تدریج جایگاه خود را از دست بدهد.

روز شوراها نباید تنها یک مناسبت تقویمی باشد. بلکه باید بهانه‌ای برای بازنگری، بازسازی و بازآفرینی نقش شوراها در توسعه محلی و شهری شود. آرمان بنیادینی که در فرهنگ ایرانی نهادینه شده بود؛ یعنی اداره بهتر امور با مشارکت جمعی هنوز زنده است؛ کافی است آن را از نو به رسمیت بشناسیم و به جریان ببندازیم.

۹ اردیبهشت یادآور این است که: بدون شوراهایی کارآمد و مردمی، رؤیای توسعه پایدار، جز شعاری زیبا روی کاغذ نخواهد ماند.

ارزیابی عملکرد شورای ششم مثبت بوده است

«مجتبی عبداللهی» نماینده عالی دولت در استان البرز، از عملکرد مثبت شورای اسلامی شهر کرج در مسیر توسعه و پیشرفت شهری قدرانی کرد و اظهار داشت: شوراهای شهر باید با مسئولیت‌های بیشتر و اختیارات کامل، در مسیر قانون‌گذاری و نظارت در حوزه شهری گام بردارند. با توجه به تصمیم مجلس شورای اسلامی، دوره خدمت شورای ششم تمدید شد و اکنون فرصت ارزشمندی فراهم شده است تا پروژه‌های نیمه‌تمام با سرعت، جدیت و روحیه جهادی تکمیل شود و کارنامه‌ای پرپار و درخشان از این شورابر جای بماند. عبداللهی همچنین با تسلیت حادثه ناگوار استان هرمزگان، افزود: شورای اسلامی شهر کرج با ایفای درست وظایف خود در حوزه‌های قانون‌گذاری و نظارت بر عملکرد شهرداری، توانسته است نقش مؤثری در توسعه شهری ایفا کند و مسیر صحیحی را در تحقق اهداف شوراها طی کند.



دنیای سوادادار

۳ در شهر

سه شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۰

از (البرز) چه خبر؟

رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز: خبر داد؛

۳۳ هزار بازدید بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار در سال گذشته



جهانی ایمنی و بهداشت حرفه‌ای به فعالان این عرصه تاکید کرد: آینده ایمنی و سلامت در محیط کار به شدت به پیشرفت تکنولوژی و کاربرد هوش مصنوعی وابسته است که باید به این سمت حرکت کنیم.

وی خاطرنشان کرد: در سال گذشته بیش از ۳۳ هزار بازدید انجام و سلامت بیش از ۲۰۱ هزار شاغل مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت.

رئیس دانشگاه با بیان اینکه در سال گذشته بیش از ۱۹۱ هزار معاینات سلامت شغلی برای شاغلین و کارگران انجام شده است گفت: در استان ۲۲ مرکز تخصصی طب کار و ۲۶ شرکت ارائه دهنده خدمات بهداشت حرفه‌ای فعال هستند.

وی افزود: در سال گذشته بیش از ۱۷۰۰ سنجش عوامل زیان آور محیط کار توسط کارشناسان بهداشت حرفه‌ای انجام شده و ۴۵۰۰ پرونده متقاضیان مشاغل سخت و زیان آور مورد بررسی قرار گرفته است.

رئیس دانشگاه ضمن تبریک هشتم اردیبهشت، روز

رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز به مناسبت روز جهانی ایمنی و بهداشت حرفه‌ای ضمن تاکید بر نقش مهندسين و کارشناسان بهداشت حرفه‌ای در حفظ و ارتقا سلامت شاغلین و کارگران گفت: ارزیابی و کنترل عوامل زیان آور محیط کار به ویژه با بهره‌گیری از هوش مصنوعی که می‌تواند تعاملات انسانی و فناوری را برای بهبود شرایط و ایمنی محیط تقویت کند، مهم است.

دکتر شهرام صیادی با اشاره به این مسئله، گفت: در استان بیش از ۱۸ هزار کارگاه تولیدی در زمینه‌های مختلف فعال هستند و ۶۰ کارشناس بهداشت حرفه‌ای مسئولیت نظارت سلامت و ایمنی کار را برعهده دارند.

«مدیرکل بهزیستی البرز» تاکید کرد: نقش بی‌بدیل روان‌شناسان در تقویت تاب‌آوری و کاهش آسیب‌های اجتماعی



مشکلات روانی را بیش از پیش برجسته می‌کند. روان‌شناسان و مشاوران با ارائه حمایت‌های علمی و تخصصی، یاری‌گر افراد در مواجهه با چالش‌های روانی، عاطفی و اجتماعی هستند.

محمدی فلاح با تاکید بر اهمیت مشاوره‌های تخصصی خاطرنشان کرد: روان‌شناسان با بهره‌گیری از روش‌های علمی، به افراد کمک می‌کنند تا مشکلات فردی، شغلی، خانوادگی و تحصیلی خود را مدیریت کرده، تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند، روابط مؤثرتری برقرار سازند و در مجموع از سلامت روان خود مراقبت نمایند.

مدیرکل بهزیستی البرز در ادامه به ظرفیت‌های ارائه خدمات مشاوره در استان اشاره کرد و گفت: در حال حاضر یک مرکز مشاوره حضوری دولتی و ۳۰ مرکز مشاوره حضوری غیردولتی تحت نظارت بهزیستی استان البرز فعالیت می‌کنند. همچنین خط تلفنی ۱۴۸۰ به صورت رایگان و ۲۴ ساعته از ساعت ۸ صبح تا ۲۴، در دسترس عموم مردم برای دریافت خدمات مشاوره‌ای قرار دارد.

وی با بیان اینکه اقدامات گسترده‌ای در زمینه ارتقاء آگاهی‌های روانی-اجتماعی در استان انجام شده است، اضافه کرد: طرح‌های آموزشی توسط کارشناسان، روان‌شناسان و مدرسان متخصص بهزیستی برای گروه‌های مختلف جامعه در حال

مدیرکل بهزیستی استان البرز با تبریک فرارسیدن روز روان‌شناس و مشاور، این روز را فرصتی ارزشمند برای آگاهی‌بخشی درباره اهمیت سلامت روان و نقش بی‌بدیل روان‌شناسان در جامعه دانست و گفت: روز روان‌شناس از سال ۱۳۹۵ به طور رسمی در تقویم رسمی کشور ثبت شد و از آن زمان تاکنون، این مناسبت به عنوان فرصتی برای آگاهی‌رسانی درباره اهمیت خدمات روان‌شناسی در پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی شناخته می‌شود. وجهیه محمدی فلاح با اشاره به شعار امسال روز روان‌شناس تحت عنوان «از بحران تا رشد؛ نقش روان‌شناسی در تقویت تاب‌آوری» افزود: این شعار، اهمیت توجه به سلامت روان، کاهش آسیب‌های روانی-اجتماعی و نقش مؤثر متخصصان این حوزه در مدیریت استرس، اضطراب و سایر

پیام تبریک شهردار فردیس به مناسبت روز شورا



پیشرفت و امیدواری برای تحقق آسایش است که بی‌شک با همراهی، دلسوزی و حمایت اعضا، بر چهره شهر و به دل مردم نشسته است.

اینجانب سالروز تشکیل شوراهای اسلامی که امسال مزین به میلاد پرزور کریمه اهل بیت حضرت معصومه(س) است را به تکتک اعضای شورای اسلامی شهر فردیس تبریک گفته و از حمایت و همراهی همه عزیزان در پیشبرد برنامه‌های شهرداری، کمال تشکر را دارم.

محمد رضا احمدی نژاد

شهردار فردیس

پیام تبریک شهردار فردیس به مناسبت روز شورا شهردار فردیس در پیامی نهم اردیبهشت ماه سالروز تشکیل شوراهای اسلامی را تبریک گفت.

در متن این پیام آمده است: شورا نقطه عطی در تاریخ انقلاب اسلامی و نمادی از خواست و اراده مردم در تعیین سرنوشت خویش است. شورا جلوه‌ای از حضور و همبستگی، اعتماد و وفاداری مردم به نظام مقدس جمهوری اسلامی و زمینه‌ساز شکوفایی توسعه و عمران شهر است. شورا در شهر فردیس به رنگ زیبای توسعه و به شیرینی طعم قرار گرفتن در مسیر

روان‌درمانی، کالایی برای نخبگان!

مهدی تیموری



کشورها، روان‌درمانی تحت پوشش بیمه قرار دارد، چرا که نه تنها به بهبود فردی، بلکه به کاهش بار مالی سیستم بهداشت عمومی در بلندمدت کمک می‌کند. اما در ایران، این محاسبه ساده، یا فهمیده نمی‌شود یا عامدانه نادیده گرفته شده است. چه تفاوتی میان ترمیم شکستگی پا و ترمیم شکستگی روح وجود دارد که یکی بیمه می‌شود و دیگری نه؟

واقعیت این است که انفعال بیمه‌ها، نه یک کاستی تصادفی، بلکه بخشی از همان منطق عمومی است که سلامت روان را امر خصوصی، فردی و لوکس تلقی می‌کند؛ نه نیاز عمومی و جمعی. و این نگاه، در دل خود حاوی نوعی تبعیض ساختاری است که درست مثل بسیاری از نهادهای دیگر، بجای شکستن چرخه فقر و بیماری، آن را تداوم می‌بخشد. اگر قرار است سخن از توسعه، عدالت درمانی، یا پیشگیری از بحران‌های روانی اجتماعی به میان بیاید، باید اول از همه این تماشاگران خاموش را به پاسخ‌گویی فراخواند. چرا بیمه‌ها هنوز در نکرده‌اند که اضطراب، افسردگی و فروپاشی روانی هم همان‌قدر واقعی‌اند که دیابت و سکنه قلبی؟ و مهم‌تر اینکه، وقتی جامعه‌ای بیمه ندارد برای درمان روح، چگونه می‌توان از آن انتظار داشت که به آینده‌ای روشن، امیدوار بماند؟

از سوی دیگر، فقدان نظارت بر تعرفه‌ها و کیفیت خدمات روان‌درمانی، خودش فاجعه‌ای مستقل آفریده. وقتی تعرفه رسمی معنایی ندارد، وقتی هیچ نهادی بر واقعی بودن صلاحیت‌ها نظارت نمی‌کند، وقتی «فرآیند روان‌درمانی» به صنعت‌بازار بدل و به حال خود رها شده، نتیجه چیزی نیست جز ایجاد طبقه‌ای از درمان‌گرانی که بیشتر به تاجر می‌مانند تا به درمانگر! این بی‌نظمی، به تعبیر زیگمونت باومن، نماد «جامعه مایع» ماست؛ جایی که ارزش‌ها، مسئولیت‌ها و حتی درمان، همگی در امواج بازار حل شده‌اند و شکل ثابتی ندارند؛ و ما، در دل این سیالیت بی‌پناه، مانده‌ایم با درمان‌هایی که یا ما را می‌بلعند، یا ما را از درون تهی می‌کنند؛ بی‌آنکه حتی بفهمیم در کدام لحظه، از انسان به کالا تبدیل شدیم.

توسعه فرهنگی بدون سلامت روان، توهمی بیش نیست

اگر سلامت روان را از معادله توسعه فرهنگی حذف کنیم، آنچه باقی می‌ماند، چیزی جز توهم پیشرفت نخواهد بود؛ نمایشی سطحی بر روی زمینی ترک‌خورده و بی‌رسم. ارنست کاسیر در اثر «سترگش»، فلسفه صورت‌های سمبلیک تأکید می‌کند که فرهنگ، چیزی فراتر از محصولات هنری یا دستاوردهای تکنولوژیک است؛ فرهنگ در واقع تجسم روان انسان در قالب‌های اجتماعی، هنری، زبانی و اخلاقی است. بدون روانی سالم و متعادل، فرآیند نمایندگی مختل می‌شود و جامعه بجای خلق معنا، در دام بحران‌های هویتی و فروپاشی‌های معنایی گرفتار می‌شود.

حال ایران امروز را بنگریم: جامعه‌ای که در آن اضطراب، ناامیدی، پرخاشگری و فرسودگی روانی به اپیدمی تبدیل شده، چگونه می‌تواند مدعی توسعه فرهنگی باشد؟ چگونه می‌توان از ملتی که زیر بار فشارهای روانی مدفون شده، انتظار داشت که مفاهیم والایی چون زیبایی، آزادی، یا مدنیت را بازتولید کند؟ فرهنگ، همان‌گونه که کاسیر شرح می‌دهد، به‌مثابه یک زبان نمادین عمل می‌کند؛ و زبانی که از دل روانی بیمار بیرون می‌آید، گویشی گسسته، نامفهوم و مملو از اضطراب خواهد بود. در غیاب حمایت از سلامت روان، تمامی نمادهای فرهنگی، از هنر و ادبیات تا آموزش و رسانه، دچار اختلال و سستی می‌شوند.

در ایران ۱۴۰۴، نشانه‌های این بحران را می‌توان در فروکاستن هنر به ابتذال، زوال گفتمان‌های اجتماعی، و تنزل آموزش به ابزارهای بقا به‌روشنی دید. ممکن است بصورت رادیکالی بدبینانه بنظر برسد، اما واقعیت این است که ما درحال تجربه کردن نوعی فروپاشی نمادین هستیم: گسست پیوند میان روان فردی و روان جمعی. و این، همان اتفاقی است که کاسیر نسبت به آن هشدار می‌دهد: جامعه‌ای که دیگر نمی‌تواند معانی اصیل بسازد، به ورطه بحران‌های هویتی، خشونت نمادین و سرکوب روانی می‌گلتد. در نتیجه، توسعه فرهنگی بدون توجه جدی به سلامت روان، نه تنها ممکن

که دیگر فقط اقتصادی نیستند، بلکه شکاف‌های دسترسی به امنیت روانی، فرصت‌های درمانی، و کیفیت حیات را نیز شامل می‌شوند. در فضایی که امنیت روانی امری «کالایی» شده است، دسترسی به تراپیست خوب و جلسات روان‌درمانی، به مثابه سرمایه‌ای اجتماعی عمل می‌کند؛ سرمایه‌ای که برای بسیاری از اقشار فرودست، دور از دسترس مانده، و خود به عامل بازتولید نابرابری تبدیل شده است.

از منظر فوکویی، اینجا شاهد نوعی «بیوپولیتیک» معکوس هستیم: نه فقط مدیریت بدن‌ها، بلکه مدیریت روان‌ها به شیوه‌ای طبقاتی. سلامت روان، که باید عرصه‌ای از رهایی انسان از فشارهای ساختاری باشد، خود به عرصه‌ای تازه برای اعمال قدرت نامرئی بدل شده است؛ قدرتی که با تبدیل کردن درمان به کالایی پرهزینه، همگان را از حق اولیه «درمان» محروم می‌کند و نابرابری را تثبیت می‌کند. این طبقاتی شدن سلامت روان، پیامدهای عمیقی برای ساختار اجتماعی دارد. در شرایطی که بحران‌های اقتصادی، ناامنی شغلی، تورم افسارگسیخته و فرسودگی‌های مزمن روانی گریبانگیر جامعه شده، تنها طبقه برخوردار می‌تواند با پناه بردن به تراپیست‌ها، آسیب‌های روانی را ترمیم کند؛ درحالی که طبقات فرودست در چرخه‌ای بی‌پایان از بحران‌های حل‌نشده، خشونت‌های درون‌خانوادگی، اضطراب‌های مزمن و افسردگی‌های بی‌درمان گرفتار می‌مانند. این روند نه تنها کیفیت زندگی فردی را کاهش می‌دهد، بلکه در سطح کلان، سرمایه اجتماعی را فرسایش می‌دهد، انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند، و آینده‌ای نگران‌کننده برای ساختارهای مدنی و فرهنگی رقم می‌زند.

نابرابری در سلامت روان، نابرابری در قدرت است. جامعه‌ای که در آن تنها اقلیت کوچکی حق داشتن ذهنی سالم را دارد، دیر یا زود به جامعه‌ای شکننده، خشن و مستعد فروپاشی تبدیل می‌شود. اگر سلامت روان را به امتیازی طبقاتی تبدیل کنیم، به تعبیر گیدنز، خطر می‌کنیم که «مدرنیته متأخر»، ما به کابوسی بدون بازگشت بدل شود؛ کابوسی که در آن، شکاف روانی میان طبقات، شکافی اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی می‌شود؛ و دهشتناک‌تر از همه اینکه هر روز تأخیر در بهبود این روند، آجری از بنای آینده می‌گذارد؛ و ما، بی‌سلامت روان، بر ویرانه‌هایی خواهیم نشست که خود ساخته‌ایم.

بیمه‌ها: تماشاگران خاموش یا شرکای نابرابری؟

در کشوری که سلامت روان همچنان در حاشیه نگاه سیاست‌گذار باقی مانده، بیمه‌ها نیز بجای اینکه نقش اصلاح‌گر یا مداخله‌گر فعال را ایفا کنند، در مقام تماشاگرانی خاموش و بی‌مسئولیت ظاهر شده‌اند. در حالی که سازمان جهانی بهداشت، سلامت روان را یکی از سه ستون اصلی بهداشت عمومی می‌داند، در ایران، حتی بیمه‌های پایه‌ای مانند تأمین اجتماعی، خدمات روان‌درمانی را در شمول حمایت‌های خود قرار نمی‌دهند. این یعنی میلیون‌ها نفر، با انواع اضطراب‌ها، افسردگی‌ها، وسواس‌ها، ترومای مزمن و بحران‌های روان‌شناختی، یا باید خود را در چرخه فرساینده هزینه‌های شخصی رها کنند یا عطای درمان را به لقایش ببخشند؛ اما بیمه‌ها فقط غایب نیستند؛ آن‌ها با سکوت و بی‌عملی‌شان، بخشی از ساختار تبعیض‌اند.

در نظامی که سلامت روان به عنوان یک اولویت سیاسی و اجتماعی به رسمیت شناخته نمی‌شود، بیمه‌ها هم به شکل ساختاری به بازتولید این نادیده‌گیری کمک می‌کنند. نهاد بیمه، در ذات خود باید ابزاری برای بازتوزیع ریسک باشد؛ یعنی کاهش هزینه‌های ناگهانی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر. اما وقتی این نهاد، سلامت روان را خارج از دایره پوشش خود می‌داند، عملاً به بازوی طبقاتی‌سازی سلامت بدل می‌شود. اینجاست که نگارنده سطور، هم‌راستا با آرای فوکو، قدرت را صرفاً در سرکوب یا اجبار نمی‌بیند، بلکه در «تنظیم آنچه که حمایت می‌شود و آنچه که نادیده گرفته می‌شود» نیز می‌یابد. بیمه‌ها دقیقاً در این سطح عمل می‌کنند: آن‌ها بواسطه تعیین‌گری خاموش خود، مشخص می‌کنند که چه نوعی از سلامت «حق» است و کدامش «امتیاز». در بسیاری از

در سرزمینی که بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از زمین و آسمان فرو می‌ریزند، سلامت روان آخرین چیزی است که در برنامه‌ریزی‌ها جدی گرفته می‌شود. روان‌درمانی در ایران ۱۴۰۴، شبیه ایستگاهی متروکه است که شوربختانه قطار بیمه‌های درمانی هرگز به آن نرسیده است. از طرفی، فقدان زیرساخت حمایتی برای درمان‌های روانی، نشانه‌ای از شکاف عمیق میان مردم و ساختارهای قدرت است. مسیر حمایتی که در کشورهای توسعه‌یافته، به عنوان سنگ بنای سیاست‌های سلامت عمومی بنا شده، در اینجا به بازی لوکس طبقه برخوردار بدل شده است؛ طبقه‌ای که خود نیز در گرداب ناامنی‌های روانی غوطه‌ور است، اما حداقل بلیت سوار شدن بر قطار گریز از بحران را دارد. درحالی که هزینه یک جلسه روان‌درمانی گاه به دو میلیون تومان برای تنها یک جلسه ۴۵ دقیقه‌ای می‌رسد، و این مبالغه نه تنها بدون ضابطه تعیین می‌شود، بلکه تحت هیچ نظارتی هم قرار ندارد، نمی‌توان از مردم خواست که «برای سلامت روان خود اهمیت قائل شوند»؛ چگونه اهمیت بدهند، وقتی سلامت روان در کشوری با تورم افسارگسیخته و سقوط طبقات متوسط، به امتیازی طبقاتی بدل شده است؟ در چنین زمینه‌ای، آنچه میشل فوکو در تحلیل قدرت و نابرابری اجتماعی می‌گوید، عینیت می‌یابد: سلامت روان، نه ابزاری برای رهایی فردی، بلکه کارزاری تازه در بازتولید نابرابری‌های ساختاری است. روان‌درمانی، آن‌گونه که باید، پلی به‌سوی توانمندسازی نیست؛ اینجا، تبدیل شده به دروازه‌ای بسته که فقط برای آن‌ها که رمز طبقاتی‌اش را می‌دانند، باز می‌شود. و پشت آن در، میلیون‌ها روان خاموش، با لیخندهای زهواردررفته، ایستاده‌اند و تماشا می‌کنند که جامعه، در سکوت و بی‌حسی، پاره‌پاره می‌شود.

کالای لوکس، نیاز اساسی

همانطور که گفتیم، مسئله «روان‌درمانی» در ایران امروز از یک حق طبیعی و در دسترس عموم جامعه به یک کالای لوکس بدل شده است. کالایی که تنها قشر کوچکی از جامعه توانایی پرداخت هزینه‌های آن را دارند؛ قشری که یا از طبقات ثروتمند است یا وابستگی‌های نهادی و سازمانی خاصی دارد.

طبق گزارشی رسمی از وزارت بهداشت، سال گذشته دست‌کم ۲۳ درصد جمعیت ایران درجاتی از اختلالات روانی را تجربه کرده‌اند. این عدد، اگر تنها عددی روی کاغذ باشد، قدرتش را از دست می‌دهد. اما اگر اجازه دهیم معنا از دل عدد فوران کند، آنگاه فاجعه‌ای را خواهیم دید که زیر پوست شهر جریان دارد: از هر چهار چهره‌ای که در خیابان از کنار ما عبور می‌کند، یک نفر، درگیر نبردی بی‌صدا با اضطراب، افسردگی، وسواس یا ترومای پنهان است. خیابان، پیاده‌رو، صف نانوایی، ایستگاه مترو؛ هر جا که چشم می‌گردانی، در کنار خود، روانی درحال فروپاشی است که لیخند کم‌رنگی به صورت زده یا به سکوتی سنگین پناه برده. این آمار، تنها تصویری آماری نیست؛ این نقشه جمعی فروپاشی روانی است؛ و فاجعه زمانی تکمیل می‌شود که بدانیم تنها کمتر از ۵ درصد این انسان‌های فرسوده، امکان درمان یافته‌اند. بقیه، میلیون‌ها روان درحال اضمحلال، همچون خرده‌شیشه‌هایی پراکنده در دل جامعه، قدم می‌زنند، کار می‌کنند، و به ظاهر زندگی می‌کنند؛ اما در عمق، از هم پاشیده‌اند. تعرفه رسمی اعلام‌شده توسط سازمان نظام روان‌شناسی برای یک جلسه مشاوره حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان است، اما مراکز پرمراجعه، به‌ویژه در کلان‌شهرها، این نرخ را به‌راحتی سه برابر کرده‌اند. در شمال تهران، پرداخت دو میلیون تومان برای ۴۵ دقیقه مشاوره به امری عادی تبدیل شده است! اما مسئله تنها قیمت‌ها نیست؛ مسئله، طبقاتی شدن سلامت روان است.

روان‌درمانی، که باید ابزار ارتقای کیفیت زندگی همه اقشار باشد، به یک «کالای فرهنگی لوکس» بدل شده، دقیقاً همانند تحصیلات عالی، تفریحات سالم یا حتی برخورداری از آب شرب باکیفیت. این روند، به تعبیر آنتونی گیدنز، نشان‌دهنده ظهور شکاف‌های نوین در جامعه مدرن است؛ شکاف‌هایی

نیست، بلکه به فرآیندی مسموم تبدیل می‌شود: بازتولید پوسته‌ای از فرهنگ بدون هسته زنده انسانی. بدون حمایت از روان انسان‌ها، هر جشنواره‌ای، هر برنامه‌ای برای ترویج کتابخوانی، هر ادعایی درباره ارتقاء آگاهی جمعی، صرفاً رستی نمایشی خواهد بود که در برابر اولین باد مخالف، فروخواهد ریخت. سلامت روان، بستر زایش فرهنگ است؛ نه یک انتخاب لوکس، بلکه ضرورتی وجودی.

تا زمانی که این درک به سیاست‌گذاری‌های ما راه پیدا نکند، توسعه فرهنگی در ایران چیزی بیش از سراب نخواهد بود.

آینده‌ای که بی‌حمایت از روان، آینده نیست

القصة... هر جامعه‌ای در بزنگاه‌های بحرانی، با این پرسش بنیادی مواجه می‌شود: بر کدام بنیان می‌خواهد آینده را بسازد؟ در کشوری که سلامت روان به کالایی کمیاب و پرهزینه بدل شده، این پرسش پاسخی نگران‌کننده پیدا می‌کند. نادیده گرفتن بحران روانی، نه فقط خطری برای فرد، بلکه تهدیدی برای کل ساختار اجتماعی است. انسان‌هایی که بدون حمایت روانی در گرداب بحران‌های اقتصادی، ناامنی‌های شغلی، سرخوردگی‌های اجتماعی و فروپاشی‌های معنایی رها شده‌اند، نمی‌توانند نیروی محرکه‌ای برای توسعه یا پیشرفت باشند؛ آن‌ها یا به انزوا و افسردگی پناه می‌برند یا به پرخاشگری و خشونت‌های انفجاری روی می‌آورند.

در چنین زمینه‌ای، بی‌توجهی به سلامت روان، به تدریج یک سرمایه اجتماعی فرسوده می‌آفریند؛ جامعه‌ای که در آن اعتماد عمومی، حس همبستگی، و امید به آینده تحلیل می‌رود. بر اساس تحلیل‌های آنتونی گیدنز، جوامعی که پیوندهای درونی خود را به‌واسطه بحران‌های روانی از دست می‌دهند، به سمت خطرناک‌ترین اشکال مدرنیته متأخر، یعنی اضطراب جمعی، بی‌ثباتی نهادها و سیاست‌های هویتی پراشوب سوق پیدا می‌کنند.

از منظر جامعه‌شناسی انتقادی، ما شاهد شکلی از «بیگانگی روانی» در ایران هستیم؛ نوعی گسست میان انسان و دنیای اجتماعی‌اش، که پیش‌تر کارل مارکس در بُعد اقتصادی تحلیل کرده بود و امروز، در عرصه روانی و فرهنگی بازتولید می‌شود. انسان‌هایی که زیر بار بی‌عدالتی روانی له می‌شوند، دیگر کنشگران تغییر نیستند؛ بلکه به توده‌هایی منفعل، بی‌اعتماد و سرشار از خشم پنهان بدل می‌شوند. واقعیت این است که آینده‌ای بدون توجه به سلامت روان، اصلاً آینده‌ای نخواهد بود؛ بلکه تکراری خسته‌کننده و خشن از بحران‌های امروز خواهد بود. شکاف‌های روانی به شکاف‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منجر می‌شوند؛ افسردگی‌ها به بی‌ثباتی‌های سیاسی، اضطراب‌ها به گسترش خشونت‌های خانگی و خیابانی، و ناامیدی‌ها به مهاجرت نخبگان و فرار مغزها. در این میان، راه‌حل‌ها صرفاً در سطح سیاست‌گذاری درمانی خلاصه نمی‌شوند. لازم است بازتعریفی ریشه‌ای از مفهوم «شد» و «توسعه» صورت گیرد؛ رشدی که سلامت روان را در مرکز خود ببیند، نه در حاشیه برنامه‌های نمادین.

تا زمانی که سلامت روان به عنوان یک حق جمعی به رسمیت شناخته نشود، تا زمانی که بیمه‌ها، سیاست‌گذاران و نهادهای فرهنگی به این ضرورت پاسخ ندهند، هر سخنی از پیشرفت، شکوفایی و تمدن، در بهترین حالت، فریبی دلنشین خواهد بود. این یادداشت تلاشی بود برای نگریستن به سلامت روان، نه به‌مثابه یک دغدغه فردی، که به‌مثابه پیوست حیاتی هر پروژه توسعه‌محور. اگر امروز در برابر این بحران سکوت کنیم، فردا تنها صدای فروپاشی خودمان را خواهیم شنید؛ و این بار، حتی روانی برای سوگواری نخواهد ماند...



سریال «کوری» به کارگردانی سجاد پهلوانزاده برای پخش از شبکه نمایش خانگی در تهران کلید خورد. سریال «کوری» به تهیه‌کنندگی کاظم دانشی، نویسندگی امیر ابیلی و کارگردانی سجاد پهلوانزاده در دست ساخت است. کوری» یکی از پربازگسترترین محصولات امسال نمایش خانگی است که مریلا زارعی از بازیگران اصلی آن است. دیگر بازیگران این سریال به زودی معرفی خواهند شد. این سریال درامی جنایی است که دست روی یکی از موضوعات ملتهب اجتماعی گذاشته است. «کوری» اولین تجربه کاظم دانشی در حوزه تهیه‌کنندگی است که پیش از این نویسندگی و کارگردانی فیلم موفق «علفزار» و نگارش فیلم‌نامه فیلم «بی‌بدن» را در کارنامه داشته است.

وقتی تیتراها قربانی می‌کنند



مینامعصومی

نگاه کنیم روزنامه‌های آویزان از دک‌ها و تیتراهایی را که بمبارانمان می‌کنند. محتوایی که خوراک چشم و گوش و ذهنمان می‌شوند، هیجان‌برانگیزند و البته گاهی تاریخ انقضای اخبارشان کمتر از ۲۴ ساعت است. فردا صبح که از خواب بیدار می‌شویم حتی به خاطر نمی‌آوریم که روز قبل کدام خبر بشدت موجب تأثرمان گشته یا حسابی سر ذوقمان آورده‌است.

«اخبار چگونه تولید می‌شوند؟» و «آیا کلیت متن همان چیزی است که در محتوای اخبار رسانه‌ها منتشر می‌شود؟» حالا برگردیم به زمانی که رسانه و اخبار بیشتر به روزنامه‌های کاغذی محدود می‌شد و تلوزیون و رادیو در انتشار اخبار نقش پرزنگی نداشتند. خرده‌آثار «فیلم‌های مطبوعاتی» در همان سال‌ها در دهه ۳۰ و ۴۰ به محبوبیت رسید و آثار شاخصی در سینما با محوریت روزنامه‌نگاری و چگونگی تولید اخبار ساخته می‌شد که احتمالاً از معروف‌ترین بین آن‌ها «همشهری کین» محصول سال ۱۹۴۱- را به خاطر می‌آوریم. اما آنچه از گذشته تا به امروز از دغدغه‌های جامعه روزنامه‌نگاری است، بحث «اخلاقیات و نحوه انتشار اخبار» است. برای همین تماشای فیلم «پایان پنج‌ستاره» با گذشت بیش از نیم‌قرن همچنان جذاب و دیدنی است.

«پایان پنج‌ستاره» به کارگردانی «مروین لروی» محصول سال ۱۹۳۱ آمریکا است و یکی از فیلم‌های جنجالی زمانه خود. فیلم داستان یک روزنامه به سردبیری «آقای رندال» (ادوارد جی. رابینسون) است که اخیراً تیراژهایش پایین آمده و همین موضوع صاحب امتیاز روزنامه، آقای هنچکلیف را حسابی خشمگین کرده. از این رو، آقای هنچکلیف پیشنهاد می‌دهد برای بالارفتن تیراژ روزنامه باید دست به دامان اخبار «داغ‌تری» که بین عوام طرفداران بیشتری دارد، شد اما آقای رندال که به اخلاقیات در حرفه‌اش پایبند است با این تصمیم مخالفت می‌کند. هنچکلیف پیشنهاد می‌دهد رندال پرونده مختوم یک قاتل متعلق به ۲۰ سال پیش است را مجدداً باز کند و از سرگذشت و شرایط کنونی قاتل گزارشی قابل نشر در روزنامه تهیه کند. رندال با اکره قبول می‌کند و یکی از همکارانش را برای گرفتن اطلاعات به خانه قاتل می‌فرستد. اما قاتل زنی به نام نانسی است که اکنون پس از گذشت ۲۰ سال زندگی و خانواده گرمی را برای خود دست و پا کرده. دخترش درحال ازدواج با خانواده

آبروداری‌ست و اصلاً از گذشته مادرش خبر ندارد و با همسرش هم رابطه‌ای بسیار صمیمی و عاشقانه دارد. هیچ اثری از گذشته و اقدامی به قتل در زندگی فعلی نانسی نیست. اما با باز شدن پای روزنامه‌نگاران به خانه اوضاع مثل سابق آرام و به دور از تنش نخواهد ماند. روزنامه شروع به انتشار تیتراهایی درباره نانسی و خانواده‌اش کرده و آینده این خانواده را فدای افزایش تیراژ رسانه‌اش می‌کند و این موضوع را تا جایی ادامه می‌دهد که زندگی این خانواده به فروپاشی می‌رسد و البته باز هم روزنامه خبر این فروپاشی را به شکل پرطمطراقی نشر می‌دهد تا بار دیگر بازار پرخریداری را برای خود دست و پا کرده‌باشد.

«پایان پنج‌ستاره» روایتگر سبک تیلوئید در روزنامه‌نگاری است. سبکی که با اخبار پرشور و گاه افراطی درباره شایعات و اخباری درباره رسوایی‌ها، هیجانانگیز و برمی‌انگیزاند و از این رو توجه عوام را به خود جلب می‌کند. مطبوعات از نیمه دوم قرن ۱۹م بیشتر از آنکه بر آگاهی‌بخشی سیاسی تأکید داشته‌باشند، تابع مقتضیات بازار شد و اخبار در آن به گونه‌ای نوشته می‌شدند که با کسب سود همراه باشند. به همین دلیل شیوه‌های روزنامه‌نگاری برای انتشار اخبار زرد و مبتذل در مطبوعات باب شد و اخبار بیش از خاصیت آگاهی‌بخشی، «مصرف» می‌شدند. ذائقه عوام نیز به چنین اخبار زردی تغییر داده‌شد و کم‌کم هر روزنامه‌ای دریافت برای آنکه بخواننده به فروش و تیراژ قابل قبولی دست یابد باید به شایعات و رسوایی‌ها پر و بال بدهد و گاهی چشمانشان را بر اخلاقیات ببندد.

«پایان پنج‌ستاره» با تیتراژ هوشمندانه‌ای شروع می‌شود. اسامی و تصاویر بازیگران روی صحنه در پس‌زمینه‌ای از کاغذهای روزنامه‌ای که درحال چاپ هستند، نمایش داده می‌شود. چهره‌ها یکی پس از دیگری محو می‌شوند اما پس‌زمینه همچنان وجود دارد. بجای موسیقی ملایم برای شروع فیلم نیز، صدای گوشخراش این دستگاه چاپ را می‌شنویم. به تعبیری گویا تک‌تک کاراکترهای فیلم قرار است بی‌رحمانه، قربانی این دستگاه چاپ اخبار باشند. و سکانس ابتدایی با چندین نفر در یک دفتر مطبوعاتی آغاز می‌شود که درباره بالارفتن تیراژ و فروش روزنامه‌شان صحبت می‌کنند به گونه‌ای که انکار درباره فروش یک کالا یا شی درحال اظهارنظر هستند.

اگر تا کنون فیکور روزنامه‌نگار در فیلم‌ها ما را به یاد افراد شجاعی می‌انداخت که برای روشننگری از وقایع تا عمق هر ماجرا را بدون هراس می‌کاویدند، این فیلم

دقیقاً نقطه مقابل چنین شمایی است. روزنامه‌نگاران در «پایان پنج‌ستاره» همچو دلالاتی هستند که بر سر سود و زیان یک تجارت با هم بحث می‌کنند و ارزش‌های اخلاقی را به‌احتی فداي منفعت بازار می‌کنند. واژه‌ای که بیش از همه در مکالماتشان تکرار می‌شود عبارت «تیراژ» است و همین نشان می‌دهد تیراژ چاپ برای آن‌ها از محتوایی که قصد چاپش را دارند اهمیت والاتری دارد. فیلم در پنجمین دوره مراسم اسکار برای بهترین فیلم نامزد شد اما در همان زمان به‌دلیل اعتراضات آزاده‌خاطرشدن چندین ناشر روزنامه، محبوبیتی بین مردم کسب نکرد و همچنین تا سالیان سال از نمایش عموم آن جلوگیری می‌شد. آقای رندال سردبیر تنها فردی بین همکارانش است که چهارچوب‌های اخلاقی برایش اهمیت دارند و در برابر این نگاه کالایی نسبت به روزنامه مقاومت می‌کند اما در نهایت با وسوسه همکارانش او هم به مسیر غیراخلاقی کشانده می‌شود. گرچه او را در سرتاسر این فیلم آشفته و نگران می‌بینیم اما به هرحال یک ساختار غیراخلاقی برخلاف میلش او را نیز با خود همراه کرده‌است. رندال در فیلم دست‌هایش را با وسواس خاصی می‌شوید. دوربین روی دست‌هایش که محکم کف را روی هم می‌مالند زوم می‌کند. گویی می‌خواهد گناهی که وجدانش بدان آلوده شده‌است را از روی دست‌هایش پاک کند اما موفق نمی‌شود. در صحنه‌ای تلاش مذبحخانه نانسی برای ارتباط برقرار کردن با دفتر

روزنامه را می‌بینیم که با التماس از اپراتورها می‌خواهد او را به مسئولی وصل کند تا بتواند خواهش کند جلوی انتشار این اخبار مربوط به گذشته گرفته شود. اما افراد حاضر در دفتر او را از مسئولی به مسئول دیگر پاس می‌دهند و در نهایت به او می‌گویند امکان توقف انتشار این خبر وجود ندارد. نانسی که خود سالیان گذشته متهم به قتل بوده در اینجا به قربانی بدل می‌شود. اگر او توانسته در دادگاه‌های حقوقی تبرئه شود و گذشته‌اش را فراموش کند و زندگی آبرومندی برای خود بسازد، این رسانه است که گذشته او را از تابوت در می‌آورد و برای تمام شهر نمایان می‌کند. در آخر، نانسی و همسرش دست به خودکشی می‌زنند و هردو قربانی تجارت اخبار می‌شوند و روزنامه‌ها حتی خبر مرگ آنان را هم تبدیل دستمایه‌ای برای فروش بیشتر خود می‌کنند. در صحنه‌ای رندال آشفته از مردی می‌پرسد آیا تا به حال مردی یا زنی را کشته‌است؟ و مرد با تعجب پاسخ می‌دهد هرگز دست به چنین کاری نزده‌است. اما چهره پریشان رندال نشان می‌دهد او خود را قاتل نانسی و شوهرش می‌داند و خود را بخاطر زیر پا گذاشتن اخلاقیات در کارش سرزنش می‌کند. حتی چنان خود را مقصر می‌داند که در برابر دختر نانسی که با خشم اسلحه را برای انتقام به سمت آنان نشانه گرفته‌است، تسلیم است و می‌داند هرچقدر هم که دستانش را بشوید ردی از خون در زیرپوستش باقی خواهد ماند.

زباله‌دان؛ سرنوشت غم‌انگیز ده‌ها اثر هنری در هلند



فائزه طاهری

کارکنان یک تالار شهرداری در شرق هلند در جریان نوسازی، حدود ۴۰ اثر هنری به ارزش ۲۲ هزار یورو را به سطل زباله انداختند. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از تارنمای فرانسوی زبان «سی نیوز»، در جریان جست‌وجو برای یافتن یکی از آثار اندی وارهول هنرمند پاپ آمریکایی، مشخص شد که این اثر به سرنوشت ۴۴ اثر هنری که در هلند دور ریخته شده، دچار شده است.

با مفقود شدن تابلوی ملکه بئاتریس یکی از ۱۶ اثر مجموعه «ملکه‌های حاکم» (۱۹۸۵) اثر وارهول جست‌وجو برای یافتن آن آغاز و مشخص شد این اثر احتمالاً به همراه آثار هنری دیگر به زباله تبدیل شده است. در جریان بازسازی تالار شهرداری شهر اودن (Uden) و ادغام آن با یک شهرداری دیگر در سال ۲۰۲۰، این آثار هنری برای همیشه ناپدید شدند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در طول بازسازی تالار شهرداری، آثار هنری در زیرزمین انبار و بدون محافظ‌ها شده بودند. این آثار چندین بار جابجا شده و حتی به دلیل نشت آب

آسیب دیده بودند پس عادی بوده که آن‌ها را در سطل زباله بزرگ قرار دهند. به گفته بازرسان، هیچ شیوه‌نامه مشخصی برای روند بازسازی شهرداری وجود ندارد. بنابراین، هیچ دسترسی در مورد ثبت، نگهداری، حفاظت یا امنیت آثار صادر نشده است. همچنین گفته می‌شود که پس از ناپدید شدن آثار، شهرداری واکنش سریعی نشان نداد و حتی اذعان کرده است که امید کمی یا هیچ امیدی به بازیابی این آثار هنری وجود ندارد.

چالش‌های نهفته پروژۀ فیک

میلیون ۶۰۰ هزار واحدی چیست؟

حمید رشید

تأمین زمین برای ساخت یک میلیون و ۶۰۰ هزار واحد مسکونی، آن هم در بستری که از دهه‌ها قبل با انواع مشکلات حقوقی، توپوگرافی خشن، و تضادهای کاربری دست‌به‌گریبان است، ساده‌ترین وعده‌ای نیست که بتوان به‌راحتی محقق کرد. اظهارات اخیر تقی رضایی، عضو هیأت مدیره سازمان ملی زمین و مسکن، تصویر روشن‌تری از این چالش سنگین ارائه می‌دهد: تصویری که در آن شعارها در برابر واقعیت‌های سخت فنی و اقتصادی رنگ می‌بازند.

رضایی در گفت‌وگویی تفصیلی، نخست تلاش کرد انتساب عملکرد فعلی به «دست فرمان دولت‌های قبلی» را رد کند. او بر این نکته تأکید کرد که حجم اراضی تأمین شده پس از ابلاغ قانون «جهش تولید مسکن»، بسیار فراتر از دوره‌های قبلی بوده؛ افزون بر ۴۶ هزار هکتار زمین تنها توسط سازمان ملی زمین و مسکن تأمین شده است. این در حالی است که در دوره پرونق مسکن مهر، تنها حدود ۱۰ هزار هکتار زمین برای این طرح اختصاص یافته بود؛ اما عددها هرچقدر هم بزرگ باشند، بی‌رحمانه در برابر واقعیت‌های سخت سرافروزمی‌آورند. رضایی تصریح کرد که ۹۱ درصد از این اراضی داخل حریم شهرهاست، اما حدود ۳۰ درصدشان با توپوگرافی خشن روبه‌رو هستند؛ یعنی عملیاتی‌شدن آن‌ها، مستلزم صرف‌هزینه‌های عظیم برای آماده‌سازی، ایجاد زیرساخت‌های زیربنایی و روبنایی است. طبق برآوردها، هزینه تأمین این زیرساخت‌ها برای هر واحد، رقمی در حدود یک میلیارد تومان خواهد بود؛ عددی که به‌طور جدی، صرفه اقتصادی پروژه‌های مسکن ارزان را زیر سؤال می‌برد.

از سوی دیگر، سازمان ملی زمین و مسکن براساس قانون موظف است افزون بر تأمین زمین، درآمدزایی نیز انجام دهد؛ تا بتواند پروژه‌های نیمه‌تمامی چون مسکن مهر را به سرانجام برساند. تأمین این منابع، به‌ویژه در اقتصادی که از رکود ساخت‌وساز و تورم سنگین رنج می‌برد، چالشی مضاعف است. رضایی به رقم ۶۰ هزار میلیارد تومان اشاره کرد که باید از محل واگذاری زمین و تأمین خدمات روبنایی تأمین شود. البته زمین‌های مرغوب شمال تهران، که شاید می‌توانستند بخش عمده‌ای از این بار مالی را سبک‌تر کنند، بنا به گفته رضایی، از امکان ساخت مسکن برخوردار نیستند؛ چه به دلیل محدودیت‌های فنی و شهری، و چه به دلیل سیاست‌های کنترلی در تغییر کاربری. به این ترتیب، بخش بزرگی از اراضی موجود، یا اصلاً مسکونی نیستند، یا به‌شکل فضای سبز، اماکن مذهبی، و یا کاربری‌های خاص دیگر در اختیار نهادهای ثالث قرار گرفته‌اند، آن هم بدون واگذاری مالکیت.

این وضعیت، یک دوراهی تلخ را برجسته می‌کند: یا دولت باید هزینه‌های هنگفت آماده‌سازی زمین‌های دشوار را بپذیرد و پروژه‌های خود را با کسری‌های مالی سنگین پیش ببرد؛ یا اینکه وعده مسکن‌سازی انبوه در حد شعار باقی بماند. بدیهی است که انتخاب هرکدام از این مسیرها، هزینه اجتماعی و اقتصادی خاص خودش را دارد. در نهایت، آنچه روشن است این است که بحران مسکن در ایران، بیش از آنکه حاصل کمبود زمین باشد، از یک زنجیره معیوب در تأمین مالی، مدیریت پروژه، سیاست‌های شهری و ضعف هماهنگی‌های بین‌بخشی سرچشمه می‌گیرد. وقتی زمین‌ها آماده نیستند، زیرساخت‌ها وجود ندارند، شهرداری‌ها و نهادهای مختلف نیز هرکدام بخشی از زمین‌ها را در اختیار گرفته‌اند، تصور یک «نهضت بزرگ خانه‌سازی» بیشتر به رؤیایی کاغذی می‌ماند. تأمین ۴۶ هزار هکتار زمین دستاورد مهمی است، اما بدون ایجاد زیرساخت‌های واقعی، بدون حل معضلات حقوقی و نهادی، و بدون تأمین منابع مالی پایدار، هر طرح بزرگی به آسانی می‌تواند به مجموعه‌ای از پروژه‌های ناتمام، اراضی رها شده و نارضایتی عمومی تبدیل شود؛ تجربه‌ای که بارها در دهه‌های گذشته تکرار شده است. شاید زمان آن رسیده که به جای افزودن بر حجم وعده‌ها، بر چگونگی اجرای واقع‌بینانه، تأمین منابع پایدار، و هماهنگی نهادی تمرکز شود. آینده مسکن ایران، به تصمیم‌های شجاعانه، شفاف و علمی نیاز دارد؛ نه فقط بر طبل وعده کوبیدن.

ایران آماده تقویت تبادلات میان کشورهای عضو اکو است

«سیدحمید پورمحمدی» معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، با بیان اینکه اکو یک سازمان با بنیان‌های قوی و ریشه‌های مشترک و مستحکم است، گفت: ایران آماده تقویت تبادلات میان کشورهای عضو اکو است. تخصیص بودجه در راستای ارتقای نهاد خانواده، سیاست‌های تشویقی در راستای تأمین نیروی انسانی تحصیلکرده از طریق تأمین امکانات تحصیلی و اشتغال پایدار زنان به‌عنوان رکن اصلی خانواده و جلوگیری از بروز شکاف جمعیتی، از سیاست‌های برنامه‌ای جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های اخیر بوده است. تحقق اهداف توسعه پایدار، با در نظر گرفتن مختصات، الزامات و نیازهای ملت‌های منطقه اکو و در چارچوب همکاری‌های جنوب جنوب، می‌تواند به رشد و حرکت به سمت تاب‌آوری بیشتر، رشد اقتصادی پایدارتر و کرامت انسانی کمک کند.

سه شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۰۰

دنیای سوادار

اقتصاد

حادثه

تخلیه و بارگیری ۲۶ فروند کشتی در بندر رجایی؛

شرکت‌های بیمه در حال ارزیابی خسارت هستند



رسیدگی توسط تیم‌های کارشناسی است، گفت: در حال حاضر این تیم‌ها مشغول این کار هستند و مدیریت این موضوع هم در استان به عهده استاندار است.

رسولی که در یک برنامه تلویزیونی صحبت می‌کرد در پاسخ به محتویات کانترینرها عنوان کرد: بارها متعلق به بخش خصوصی است. اینکه در مورد یک کانترینر مشخص بخواهیم صحبت کنیم خیلی با واقعیت انطباق ندارد چون محوطه‌ای دچار حریق شده و تعداد زیادی کانترینر در این محوطه یعنی حدود ۴۰۰۰ باکس کانترینر در آنجا وجود داشتند. البته بخشی از آن‌ها دچار حریق شده‌اند. بنابراین بررسی‌های میدانی و بررسی اسناد مدارک همه در گروه‌های تخصصی در حال انجام است. ما هم بی‌صرفه منتظر هستیم که هرچه سریع‌تر این گزارش نهایی رو اعلام شود.

سرپرست سازمان بندر بیان کرد: پیش‌بینی‌ها برای برآورد خسارت انجام شده است. شرکت‌های بیمه‌ای اصلی که طرف قرارداد بیمه بودند در محل حضور پیدا کردند. چندین جلسه طی روزهای گذشته و حتی ساعتی قبل با آن‌ها داشتیم. تیم‌های تخصصی ارزیابی وارد منطقه شدند و در حال ارزیابی خسارت هستند.

وی با بیان اینکه سازمان بندر و دریانوردی کمیته‌ای

سرپرست سازمان بندر و دریانوردی از آغاز عملیات صادرات و واردات در بندر شهید رجایی خبر داد و گفت: ۲۶ فروند کشتی در این بندر تخلیه و بارگیری کردند.

سعید رسولی در تشریح آخرین وضعیت بندر شهید رجایی گفت: کمتر از ۴۸ ساعت است که از حادثه می‌گذرد. فعالیت بندر شهید رجایی در بخش بندری تخلیه و بارگیری از سر گرفته شده و روز گذشته حدود ۲۶ فروند کشتی تحویل‌گیری کردند و در حال تخلیه و بارگیری هستند و عملیات در حال انجام است.

وی افزود: عملیات دریایی بندر شهید رجایی بدون وقفه در حال انجام بوده و هیچ وقفه‌ای به وجود نیامده است. کنترل ترافیک، ارائه خدمات ایمنی در دریا به خصوص با نزدیکی تنگه هرمز در این منطقه و خدماتی که این بندر ارائه می‌کند در حال انجام است. سرپرست سازمان بندر با اشاره به اینکه این حادثه تلخ در یکی از محوطه‌های کانترینری اتفاق افتاده است، افزود: بندر شهید رجایی ۲۴۰۰ هکتار وسعت دارد که این حریق در یکی از محوطه‌های کانترینری این بندر با وسعت ۱۵ هکتار اتفاق افتاده است، که البته بخشی از این ۱۵ هکتار دچار حریق شده و سایر محوطه‌ها و سایر ترمینال‌ها هیچ‌گونه مسئله‌ای نداشته‌اند.

وی با بیان اینکه علت اصلی این مسئله در دست

«وزیر جهاد کشاورزی»: ارتقای همکاری‌ها اولویت ایران و قرقیزستان است

تأکید کرد و گفت: جلسات تکمیلی برای بررسی همه‌جانبه همکاری‌ها برگزار شود، نتایج نشست امروز افق‌های جدیدی برای توسعه همکاری‌های مشترک ترسیم خواهد کرد.

چهاردهمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قرقیزستان با حضور مقامات عالی‌رتبه از دو کشور، شامل وزیران اقتصاد و بازرگانی ایران و قرقیزستان، و دیگر مسئولان دولتی، با هدف بررسی و گسترش روابط اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری هفتم و هشتم اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۴ در تهران برگزار شد. در این نشست، پیشرفت‌های قابل توجه در زمینه‌های مختلف همکاری‌های دوجانبه مورد بررسی قرار گرفت و گزارشی از عملکرد کمیسیون مشترک در سال‌های اخیر ارائه شد. طبق آمار ارائه‌شده، تجارت بین دو کشور در سال گذشته رشد چشمگیری داشته و ۳۱ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

مقامات دو کشور همچنین درباره زمینه‌های جدید همکاری، از جمله تقویت سرمایه‌گذاری‌های مشترک، تبادل تجارت و توسعه همکاری‌های اقتصادی، بحث و گفت‌وگو کردند.

یکی از دستاوردهای مهم این اجلاس، امضای یادداشت تفاهم برای تشکیل کمیته مشترک سرمایه‌گذاری میان دو کشور بود. این یادداشت با حضور رئیس صندوق توسعه ملی ایران، و وزیر اقتصاد و بازرگانی قرقیزستان به امضای رسید. همچنین، مقامات دو کشور بر اهمیت راه‌اندازی سریع دفتر سرمایه‌گذاری ایران و قرقیزستان تأکید کردند.

تسهیل سرمایه‌گذاری قرقیزستان در بندر ایران نوری قزلبه گفت: این اجلاس برنامه‌های متعددی برای رونق اقتصاد و تجارت در دستور کار دارد. تبادل فهرست کالاهای صادراتی، حمایت از شرکت‌های فعال، حضور شرکت‌های ایرانی در پروژه‌های فنی-مهندسی قرقیزستان و سامان‌دهی حمل‌ونقل در کریدور شمال-جنوب از مهم‌ترین محورهای همکاری‌ها و توافقات میان دو کشور است.

وی با بیان اینکه در بخش کشاورزی، توافقاتی برای ایجاد مزارع مشترک تولید ماهی، خوراک دام و طیور و همکاری در قرنطینه دامی و نباتی حاصل شده است، اظهار کرد: امیدوارم مذاکرات برای پروازهای منظم و مستقیم، تسهیل صدور روادید و سرمایه‌گذاری قرقیزستان در بندر ایران به نتایج عملی منجر شود. وزیر جهاد کشاورزی با بیان اینکه اشتراکات فرهنگی و تاریخی دو ملت، زمینه‌ساز امضای اسناد فرهنگی و برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌هاست، افزود: توافقات در حوزه‌های نفت، انرژی، ورزش و فرهنگ با مشارکت بخش خصوصی و تعاونی نیز گام‌های مؤثری برای تقویت روابط خواهد بود.

ترسیم افق‌های جدید در همکاری اقتصادی قرقیزستان و ایران سیدیکوف باکیت توموشویچ، وزیر اقتصاد و بازرگانی قرقیزستان نیز در این نشست با ابراز اطمینان از تأثیر مثبت توافقات جدید، اعلام کرد: این سند به تعمیق و تقویت روابط دوجانبه و اجرای پروژه‌های مشترک در حوزه‌های کشاورزی و معادن کمک خواهد کرد. وی بر تسریع ارتباط میان صاحبان مشاغل دو کشور

وزیر جهاد کشاورزی با بیان اینکه ارتقای همکاری‌های کشاورزی اولویت ایران و قرقیزستان است، گفت: سطح همکاری‌های اقتصادی با روابط سیاسی دو کشور متناسب نیست و باید ارتقا پیدا کند. به گزارش «دنیای هادار» به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، غلامرضا نوری قزلبه عصر گذشته در آیین اختتامیه چهاردهمین اجلاس کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی، علمی، فنی و فرهنگی ایران و قرقیزستان با بیان اینکه این اجلاس می‌تواند نقطه عطفی در روابط دو کشور باشد، هزمانی این اجلاس با هفتمین نمایشگاه توانمندی‌های صادراتی ایران (اکسپو ۲۰۲۵)، فرصت ارزشمندی برای تعامل تجارت دو کشور فراهم کرد.

وی با تسلیت به دلیل عزای عمومی در ایران برای حادثه بندر شهید رجایی، از ابراز همدردی سیدیکوف باکیت توموشویچ وزیر اقتصاد و بازرگانی قرقیزستان، و هیات همراه قدرانی و از تلاش‌های کارشناسان و معاونین دو کشور برای نهایی‌سازی اسناد این اجلاس تشکر می‌کند و گفت: امیدوارم این نشست با تکمیل دستاوردهای گذشته، چارچوب محکمی را برای همکاری‌های دوجانبه فراهم کند.

وزیر جهاد کشاورزی با اشاره به دیدارهای سال گذشته رئیس‌جمهور ایران با مقامات قرقیزستانی اظهار کرد: سطح کنونی همکاری‌های اقتصادی را با سطح روابط سیاسی متناسب نیست و باید ارتقا پیدا کند، این اجلاس برای تقویت تعاملات و روابط تجاری و اقتصادی و بازرگانی به ویژه در بخش کشاورزی بسیار مؤثر است.



حکم جلب مدافع تیم فوتبال سپاهان به اتهام توهین به باشگاه پرسپولیس از طریق دادرسی فرهنگ و رسانه صادر شد. به نظر می‌رسد که ماجراهای محمد دانشگر، مدافع تیم فوتبال سپاهان با باشگاه پرسپولیس تمامی ندارد و این چالش وارد فاز تازه‌ای شده است. ماجرا به یکی از دیدارهای فصل گذشته پرسپولیس و سپاهان بازمی‌گردد؛ جایی که اظهارات مجری تلویزیون اینترنتی پرسپولیس و اکثراً تند دانشگر را به دنبال داشت. مدافع سپاهان با انتشار تصویر رضا درویش (مدیرعامل پرسپولیس) و مجریان این تلویزیون در اینستاگرام، خطاب به آن‌ها پیامی حاوی عبارت‌های توهین‌آمیز به اشتراک گذاشت. البته او این استوری تند را لحظاتی بعد پاک کرد، اما باشگاه پرسپولیس شکایتی را در این خصوص ثبت و با جدیت پیگیری آن شد.

خارج از گود

بجامانده از یک چهارم جام حذفی؛

فرش قرمز برای جام هشتم آبی‌ها



سعید احمدیان

قهرمانی در جام حذفی برای استقلال تبدیل به یک هدف بزرگ برای جبران کابوس لیگ بیست و چهارم شده است.

جام حذفی فوتبال یک قدم دیگر به شناخت قهرمان نزدیک شد. بازی‌های یک چهارم نهایی که جمعه هفته گذشته با انجام یک بازی آغاز شده بود، شنبه شب با برگزاری ۳ بازی باقی مانده به تمام رسید تا چهره ۴ تیم مرحله نیمه‌نهایی مشخص شود. حالا جام حذفی تنها ۲ قدم تا معرفی قهرمان فاصله دارد و به اوج حساسیت رسیده است.

استقلال، گل‌گهر سیرجان، ملوان و صنعت نفت آبادان، تیم‌هایی هستند که راهی نیمه‌نهایی شده تا قهرمان از بین یکی از این ۴ تیم معرفی شود. در مرحله نیمه‌نهایی، استقلال به مصاف صنعت نفت خواهد رفت و گل‌گهر با ملوان دیدار می‌کند کرد تا تکلیف فینالیست‌های فصل ۱۴۰۳-۱۴۰۴ جام حذفی مشخص شود. در گزارشی فراز و فرودهای مرحله یک چهارم را مرور کرده‌ایم.

فرصت جام هشتم برای عبور از کابوس لیگ

جام حذفی برای استقلال تبدیل به یک میدان حیثیتی برای جبران فصل فاجعه‌بار در لیگ برتر شده است. آن‌ها در فصل جاری لیگ برتر در حال زنده کردن خاطره هفتمین دوره لیگ در فصل ۸۶-۸۷ هستند، فصلی که آن‌ها کار را با مرحوم ناصر حجازی آغاز و فیروز کریمی و قرار گرفتن در رده سیزدهم به پایان رساندند. حالا ۱۷ سال بعد، آبی‌ها در فاصله ۳ هفته تا پایان لیگ با ۳۰ امتیاز در رده یازدهم هستند و بیش از ۲ ماه از آخرین بردشان در لیگ می‌گذرد و در ۷ بازی اخیر با ثبت ۴ مساوی و ۳ باخت نتوانسته‌اند در لیگ رنگ برد را ببینند. در چنین شرایطی جام حذفی برای آبی‌پوشان فرصتی برای احیای حیثیت از دست رفته بود. آن‌ها شنبه در مرحله یک چهارم نهایی در اولین بازی که مجتبی جباری به عنوان هفتمین مربی در این فصل روی نیمکت این تیم می‌نشست، برابر پیکان دسته اولی با یک پانتالی به پیروزی رسیدند تا راهی نیمه‌نهایی شوند. این اولین برد آبی‌پوشان پس از ۵ مساوی و ۴ باخت در تمام رقابت‌ها (لیگ برتر و لیگ نخبگان) بود. آخرین برد استقلال به بازی با نساجی در هفته بیستم لیگ و در روز ۴ اسفند سال گذشته برمی‌گشت. برد مقابل پیکان باعث شد تا آن‌ها پس از ۲ ماه به جاده برد برگردند. حالا آبی‌ها این فرصت را دارند تا با کسب ۲ پیروزی دیگر، فصل کابوس وارشان را با یک جام، شیرین به پایان برسانند.

استقلال با ۷ قهرمانی در کنار پرسپولیس پرافتخارترین تیم جام حذفی است و به نظر می‌رسد این تیم با توجه به حذف سپاهان، شانسی برای بالا بردن جام قهرمانی بالاتر رفته است. آخرین قهرمانی استقلال در جام حذفی به فصل ۹۶-۹۷ برمی‌گردد. استقلال‌ها ۱۳ اردیبهشت ۹۷، تیم خونه به خونه بابل را در خرمشهر یک بر صفر شکست دادند تا هفتمین جام قهرمانی را در مسابقات حذفی بالای سر ببرند.

حالا آن‌ها پس از ۷ سال دوباره به ۲ قدمی جام رسیده‌اند و این فرصت را دارند تا در این مسابقات

ناکامی لیگ را جبران کنند و با کسب هفتمین قهرمانی بالاتر از پرسپولیس به تنهایی پرافتخارترین تیم جام حذفی شوند.

مدافع عنوان قهرمانی جازد

نوسان‌های سپاهان هم در لیگ و هم جام حذفی کار دست این تیم داده تا آن‌ها شانسی برای رسیدن به جام نداشته باشند و فصل را به احتمال زیاد دست خالی تمام کنند. آن‌ها در پایان هفته گذشته و اول این هفته، در عرض ۲۴ ساعت هم امیدهایشان برای رسیدن به جام در لیگ برتر به کمترین حد ممکن رسید و هم از مسابقات حذفی در مرحله یک چهارم کنار رفتند تا شانسی در این بازی‌ها هم برای قهرمانی نداشته باشند. جمعه شب، تراکتور صدرنشین در یک بازی معوقه از هفته ۲۲، برابر فولاد در اهواز به پیروزی رسید تا اختلاف این تیم در صدر با سپاهان که رده دوم جدول را در اختیار دارد در فاصله ۳ هفته تا پایان لیگ به ۵ امتیاز افزایش پیدا کند و شانس‌های زردپوشان اصفهانی کم‌رنگ‌تر از قبل شود. سپاهانی‌ها به یک معجزه برای بالا بردن جام قهرمانی در شامگاه ۲۵ اردیبهشت در پایان هفته سی‌ام و پایانی لیگ احتیاج دارند.

۲۴ ساعت بعد و روز شنبه سپاهان در انزلی برابر ملوان در یک چهارم نهایی جام حذفی در ضربات پنالتی شکست خورد تا هم از این مسابقات کنار برود و هم دومین ضربه را در عرض ۲۴ ساعت بخورد. آن‌ها که فصل گذشته با پیروزی برابر مس رفسنجان، پنجمین عنوان قهرمانی‌شان را در جام حذفی به دست آورده بودند، به عنوان دومین تیم پرافتخار این مسابقات و مدافع عنوان قهرمانی، خداحافظی زودهنگامی در فصل جاری داشتند تا یکی از شانس‌های مهم قهرمانی جام حذفی از مرحله یک‌چهارم بالاتر نیاید. حالا پاتریس کارترون فرانسوی و شاگردانش باید رویاهایشان را در فصل آینده پیگیری کنند.

تکمیل شدن پازل ناکامی

جام حذفی برای هواداران نساجی یک کورسوی امید بود. تیمی که در لیگ برتر با ۲۱ امتیاز و قرار گرفتن در رده چهاردهم، به سقوط و بازگشت به دسته اول پس از ۷ سال نزدیک‌تر از هر زمانی است. آن‌ها که سال ۹۷ با قهرمانی در لیگ دسته اول برای اولین بار به لیگ برتر صعود کردند. بر خلاف سال‌های گذشته که تا پای سقوط می‌رفتند، به نظر می‌رسد این بار یک ماموریت

غیرممکن برای ماندن در لیگ برتر پیش‌رو دارند. آن‌ها ۶ امتیاز در فاصله سه بازی تا پایان لیگ با منطقه امن جدول فاصله دارند و تنها یک معجزه آن‌ها را در لیگ برتر ماندنی خواهد کرد.

در چنین شرایطی جام حذفی برای هواداران قائمشهری یک فرصت برای اعاده حیثیت بود. با این حال شاگردان ساکت الهامی، پس از برد مس شهر بابک و مس رفسنجان (فینالیست دوره قبل)، در مرحله یک‌چهارم روز شنبه برابر گل‌گهر سیرجان همان روند لیگ را در پیش گرفتند. آن‌ها در خانه مغلوب حریف سیرجانی‌شان شدند تا فصل کابوس وارشان با کنار رفتن از جام حذفی کامل شود و خبری از معجزه نباشد.

مهمان ناخوانده

مهمان ناخوانده نیمه‌نهایی جام حذفی، آبادانی‌ها هستند، آن‌ها سال گذشته پس از یک فصل بحرانی و بعد از ۸ سال و با قرار گرفتن در رده شانزدهم و آخر جدول لیگ بیست و سوم، با لیگ برتر خداحافظی و به دسته اول سقوط کردند تا جای تماشاگران خونگرم آبادانی در فصل جاری لیگ برتر خالی باشد. البته صنعت نفت فصل جاری دسته اول با فراز کمالوند مدعی صعود نشان داده و با ۵۲ امتیاز تیم پنجم است. آبادانی‌ها در فاصله ۴ هفته تا پایان این مسابقات با توجه به اختلاف تنها ۲ امتیازی با تیم دوم جدول، این شانس را دارند که برای بازگشت به لیگ برتر همچنان تلاش کنند و پس از فجرسپاسی صدرنشین که صعودش در آستانه قطعی شدن است، به عنوان تیم دوم به لیگ برتر برگردد. هر چند آن‌ها رقبایی سرسختی مانند پیکان، آریو اسلامشهر و ساپا دارند.

فصل خوب صنعت نفت در لیگ دسته اول، در جام حذفی هم ادامه پیدا کرد و آن‌ها یکی از ۴ تیم مرحله پایانی هستند، تیمی که کمتر کسی پیش‌بینی می‌کرد راهی نیمه‌نهایی شود. آن‌ها پس از پیروزی برابر شهید قندی یزد، آلومینیوم اراک و بعثت کرمانشاه، شنبه در مرحله یک‌چهارم نهایی، شهرداری نوشهر دیگر تیم دسته اولی را در خانه شکست دادند تا به جمع ۴ تیم پایانی صعود کنند و حریف استقلال در نیمه‌نهایی شوند.

کمالوند عنوان کرده که جای یک جام حذفی در ویتترین این باشگاه خالی است. هر چند آن‌ها یک رقیب سرسخت پیش‌رو خواهند داشت و باید دید می‌توانند به شگفتی‌سازی ادامه بدهند یا استقلال به رویای آن‌ها پایان خواهد داد.

افتخار آفرینی والیبالیست‌های خمینی شهر

در مسابقات قهرمانی نوجوانان و جوانان اصفهان؛

گروه ساختمانی پالار قهرمان شد

اصغر قلندری

خمینی شهر از جمله شهرستان های والیبال خیز و دارای جوانانی مستعد و برخوردار از مربیان مجرب و پرتلاش استان اصفهان است که در هفتمین دوره مسابقات آزاد استانی که به همت هیأت این شهرستان با عنوان جام عیدانه در فروردین ماه ۱۴۰۴ شروع شده بود، مرحله پایانی را در سالن شهید صفوی پور اصفهان برگزار کرد و شایستگی های خود را به نمایش گذاشت. این دوره از مسابقات با حضور ۲۰ تیم از سراسر استان اصفهان و با حضور چهره های شاخص والیبال نصف جهان که در لیگ های دسته یک، برتر و تیم ملی ایران تجربه دارند برگزار شد.

تیم ها در ۴ گروه ۵ تیمی به رقابت های خود را برگزار کردند که بعد از انجام بازی های حذفی تیم های (چاپ آزادگان) (نوید شاهین شهر ۲) (افتخاری اسپورت) (گروه ساختمانی پالار) به مرحله نیمه نهایی راه یافتند.

در مرحله نیمه نهایی تیم های (چاپ آزادگان و افتخاری اسپورت) به دیدار رده بندی و تیم های (نوید شاهین شهر) و گروه ساختمانی پالار) به دیدار فینال مسابقات راه یافتند که بازی فینال با برتری گروه ساختمانی پالار به پایان رسید تا جام قهرمانی را بالای سر ببرد. مقام دوم را تیم نوید شاهین شهر (۲) بخود اختصاص داد و تیم چاپ آزادگان روی سکوی سوم ایستاد.

در پایان از تیم های برتر مسابقات با اهدای تندیس و جوایز نقدی و ازهمکاری رسول پیمانی دبیر، استاد شهباز صدی رئیس کمیته داوران استان اصفهان، کاظمی رئیس اداره ورزش جوانان خمینی شهر، مجید زمانی رئیس، محمدیان دبیر، خانم صفایی نائب رئیس، عسگری رئیس کمیته داوران خانم رحمتی نایب رئیس کمیته داوران، خانم روح الهی مدیر روابط عمومی، قنبری مسئول تدارکات هیأت والیبال خمینی شهر، واعظی، عسگری، پریشانی، ذبیحی، لطفی، مختاری، سعیدی و خانم ها رحمتی و روح الهی داوران مسابقات، یزدان پناه مدیرسالن انقلاب، فخاری تدارکات سالن و حامیان مالی مسابقات آقایان: صالحی، رزاق پور، لطفی، حاج حیدری، سعیدی و جعفری تجلیل بعمل آمد.

بازنیکان تیم پالار عبارت بودند از: علی عموسلطانی، امیر علی مختاری، مهدی سلکی، سپهر ابراهیمی، آرین کریمیان سپهر مختاری، عارف امیریوسفی، امیرحسین کاملی، امیرحسین نادفی و عرفان پیمانی

مربیان سید حمید میردامادی واحسان یآوری. عوامل برگزاری و ناظران کمیته مسابقات: اکبر توکلی، دکتر سعید واعظی. کمیته داوران شهباز صدی و دکتر ایرانیور. ناظران مسابقات: اکبر توکلی علی ملاپهرامی، احمد وکیلی واصغرقلندری.

داوران: سعید واعظی علی ایرانیور، سعید و عباس زارعان، محمد عسگری، مسعود بهارلو، احسان راست قلم، محمد اسماعیلی و حمیدقاسمی بودند.

به امید تداوم برگزاری این گونه مسابقات که باعث رشد و شکوفایی مجدد بازیکنان مستعد شهرستان خواهد شد. البته بشرطی که مقامات محلی و هیأت والیبال استان اصفهان نیز بیش از پیش به هیأت های شهرستان ها توجه ویژه ای داشته باشند





■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ چاپ: کهن

■ شماره: ۳۴۴۹۹۲۵۵

■ تلفن: ۶

■ واحد: ۲

■ پلاک: ۱

■ طبقه: ۲

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم -

■ شماره: ۱۸۰۰

■ سال: ۱۴۰۴

■ شماره: ۱۸۰۰



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

سه شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۰۰

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

نگاهی به گیمرهای ایرانی

۳۴ میلیون گیمر
در ایران مشغول به بازی هستند



یعنی از هر ۴ ایرانی
۱ نفر گیم بازی می کند



پلتفرمهایی که بازیکنان ایرانی
با آن بازی می کنند
(هر بازیکن می تواند با چند
پلتفرم بازی کند)

۹۵٪

۲۲٪

۲۰٪



کنسول

کامپیوتر

موبایل



بازیکنان ایرانی به طور متوسط

۹۳ دقیقه

در روز بازی می کنند

پرطرفدارترین عناوین بازی در میان بازیکنان ایرانی

COUNTER STRIKE

اکتیز

grand theft auto

[PUBG]

CALL OF DUTY

CLASH ROYALE

Candy Crush

CLASH OF CLANS

STREET FIGHTERS

FIFA

FOOTBALL